پارادوکس روابط علمی بین‌الملل

ایجاد تعادل در انتقال دانش، امنیت و چالش‌های سیاسی

حمید نظری*

در جهانی به‌هم‌پیوسته که دانش مرز نمی‌شناسد، روابط علمی بین‌المللی نقشی اساسی در شکل‌دادن به پیشرفت جهانی ایفا می‌کند. تبادل ایده‌ها، یافته‌های تحقیقاتی و پیشرفت‌های فناوری در سراسر کشورها به نوآوری دامن می‌زند و توسعه اجتماعی را پیش می‌برد. با این حال این همکاری خالی از پیچیدگی نیست. تعادل ظریف بین دانش و انتقال فناوری، نگرانی‌های امنیتی و چالش‌های سیاسی که دولت‌ها با آن مواجه هستند، اغلب چشم‌انداز متناقضی را برای همکاری‌های علمی بین‌المللی ایجاد می‌کند.

درک پارادوکس: روابط علمی بین‌المللی مظهر پیگیری دانش و تخصص مشترک برای بهبود بشریت است. دانشمندان در سراسر مرزها برای مقابله با مسائل مبرمی مانند تغییرات آب و هوا، بحران‌های بهداشت عمومی و پیشرفت‌های فناوری همکاری می‌کنند. با این حال در میان این مسیر شراقتمندانه، یک پارادوکس و تضاد ظاهر می‌شود. همان کانال‌های همکاری که نوآوری را تقویت می‌کنند، آسیب‌پذیری‌هایی را نیز ایجاد می‌کنند؛ به‌ویژه در دورانی که با تنش‌های ژئوپلیتیکی و نگرانی‌ها درباره امنیت ملی رو به فزونی می‌رود.

انتقال دانش و فناوری: یکی از اهداف اولیه روابط علمی بین‌المللی، انتقال دانش و فناوری است. پروژه‌های پژوهشی مشترک، پیوندهای دانشگاهی و مراکز پژوهشی و ابتکارات مشترک، جریان ایده‌ها و تخصص بین کشورها را فراهم می‌کند. این مبادله نه‌تنها پیشرفت علمی را شتاب می‌دهد؛ بلکه درک و همکاری فرهنگی را در مقیاس جهانی ارتقا می‌دهد؛ به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه، دسترسی به تحقیقات و فناوری پیشرفته از طریق همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند در غلبه بر چالش‌های توسعه‌ای و پرکردن شکاف نوآوری کارا و مفید باشد. با این حال انتقال نامحدود فناوری‌ها و دانش‌های حساس، نگرانی‌هایی را درباره حقوق مالکیت معنوی، رقابت اقتصادی و امنیت ملی ایجاد می‌کند. فناوری‌های پیشرفته با کاربردهای دوگانه، مانند فناوری هسته‌ای یا زیستی، می‌تواند خطرات درخورتوجهی را نیز به همراه داشته باشد. بر این پایه دولت‌ها باید تعادل ظریفی را بین ترویج بازبودن و دسترسی آزاد اطلاعات و نوآوری ایجاد کنند و هم‌زمان از سوءاستفاده بالقوه یا بهره‌برداری از پیشرفت‌های علمی محافظت کنند.

امنیت و امنیتی‌سازی: در سال‌های اخیر، توجه به امنیت و ساختار امنیتی همکاری‌های علمی به‌طور فزاینده‌ای رواج یافته است؛ زیرا دولت‌ها با تهدیدات امنیتی در حال تحول و رقابت‌های ژئوپلیتیکی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مسائلی مانند امنیت سایبری یا بیوتروریسم که زمانی فقط ماهیت علمی یا فنی در نظر گرفته می‌شد، اکنون در چارچوب گفتمان گسترده‌تر امنیت ملی قرار گرفته‌اند. این طرز فکر نه‌تنها نظارت بر همکاری‌های بین‌المللی را افزایش می‌دهد؛ بلکه هر روز دستاویزی نو را برای تولید موانع جدید در برابر همکاری و تبادل دانش ایجاد می‌کند. امن‌سازی همکاری‌های علمی به اشکال مختلف، ازجمله سیاست‌های محدودکننده ارتباطات، ویزا برای دانشمندان، کنترل صادرات بر روی فناوری‌های حساس و نظارت شدید بر مشارکت‌های تحقیقاتی خارجی ظاهر می‌شود. درحالی‌که هدف این اقدامات کاهشِ خطرات امنیتی است، می‌تواند به‌طور ناخواسته پیشرفت علمی را کُند کرده و مانع تبادل آزاد ایده‌ها شود. افزون بر این، سیاسی‌شدن علم می‌تواند اعتماد بین کشورها را تضعیف کند و مانع همکاری در برخورد با چالش‌های مشترک شود و در نهایت مانع از تلاش‌های جهانی برای رسیدگی به مسائل مبرمی مانند تغییرات آب و هوا، مخاطرات طبیعی یا آمادگی در برابر همه‌گیری‌ها شود.

چالش‌های سیاسی: در ذات چشم‌انداز روابط علمی بین‌المللی، پویایی‌های ژئوپلیتیکی و منافع استراتژیک دولت- ملت‌ها در هم تنیده است. تنش‌های سیاسی بین کشورها می‌تواند همکاری‌های علمی را مختل کرده، دسترسی به بودجه تحقیقاتی را محدود کند و حتی سبب هراس اندیشمندان و دانشمندان داخلی از برقراری و توسعه پیوندهای علمی بین‌المللی از یک سو و اخراج یا بی‌انگیزگی دانشمندان خارجی از دیگر سو شود. تفاوت‌ها و اختلافات ایدئولوژیک، تضاد منافع تجاری و درگیری‌های سرزمینی اغلب به قلمرو علم سرایت می‌کند و تلاش‌ها برای حفظ کانال‌های باز ارتباط و همکاری را سخت، پیچیده و گاه خطرناک می‌کند. افزون بر این، پیدایش دیپلماسی علمی به‌عنوان ابزاری برای طرح قدرت نرم، مرزهای بین علم و سیاست را بیش‌ازپیش محو کرده است. دولت‌ها از همکاری علمی به‌عنوان ابزاری برای ارتقای جایگاه بین‌المللی خود، ایجاد اتحادهای استراتژیک و پیشبرد برنامه‌های ژئوپلیتیکی خود استفاده می‌کنند. درحالی‌که دیپلماسی علمی دارای پتانسیل تقویت حسن نیت و همکاری است، همچنین می‌تواند برای اعمال نفوذ، دست‌کاری روایت‌ها و پیشبرد منافع ملی محدود به بهای یکپارچگی و همکاری علمی استفاده شود.

شناخت پارادوکس، تلاشی بر کاهش و همسوسازی تضادها: پرداختن به پارادوکس روابط علمی بین‌المللی نیازمند رویکردی چندوجهی است که نیازهای انتقال دانش، امنیت و چالش‌های سیاسی را متعادل می‌کند. پیش از هر چیز، پرورش فرهنگ دسترسی آزاد اطلاعات، شفافیت و اعتماد برای ترویج همکاری و نوآوری‌های واقعی و دانش‌بنیان ضروری است. دولت‌ها باید یکپارچگی علمی و همکاری بین‌المللی را بر نگرانی‌های امنیتی کوتاه‌مدت در اولویت قرار دهند و بدانند که مزایای همکاری بسیار بیشتر از خطرات آن است. به بیان دیگر شاید شمع همکاری‌های بین‌الملل در کوتاه‌مدت به هزار باید و نباید درست و نادرست سیاسی و امنیتی کم‌فروغ شود؛ ولی خاموشی‌گرفتن آن برابر است با دمیدن روح بی‌اعتمادی در مناسبات و برنامه‌های توسعه اقتصادی و از دست دادن جایگاه و نقش در ساختارها و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی که شاید به‌آسانی قابل بازپس‌گیری نباشد! ازاین‌رو اجرای پادمان‌های قوی و استراتژی‌های کاهش خطر برای رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی مشروع بدون سرکوب پیشرفت علمی بسیار مهم است. این شامل تقویت کنترل صادرات، تقویت اقدامات امنیت سایبری و ترویج رفتار مسئولانه در پژوهش است. ازاین‌رو چارچوب‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، توسعه شبکه‌های علمی غیردولتی در سطح ملی و بین‌المللی در چارچوب بنیادها و کرسی‌های یونسکو می‌توانند به ایجاد استانداردها و پروتکل‌های مشترک برای مدیریت فناوری‌هایی با کاربرد دوگانه و اشتراک‌گذاری اطلاعات حساس به شیوه‌ای امن کمک کنند.

پیامدهای بحرانی محدودکردن روابط علمی بین‌المللی برای توسعه پایدار و تاب‌آوری ملی

در عصری که با پیوستگی جهانی و چالش‌های مشترک مشخص شده است، روابط علمی بین‌المللی برای تقویت توسعه پایدار و افزایش تاب‌آوری ملی ضروری است. با این حال تصمیم به تعطیلی یا کاهش این روابط پیامدهای عمیقی به همراه دارد؛ به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه که با تمام کمبودهای اقتصادی و گاه نیروی انسانی کارآمد آموزش‌دیده ناگزیر بر تلاشی سازمان‌یافته و برنامه‌محور، برای چیرگی بر موانع توسعه و ایجاد انعطاف‌پذیری در برابر تهدیدات نوین هستند.

تأثیر بر دانش و نوآوری: روابط علمی بین‌المللی به‌عنوان یک کاتالیزور برای تبادل دانش، نوآوری و پیشرفت فناوری عمل می‌کند. پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، مبادلات دانشگاهی و ابتکارات مشترک، کشورهای در حال توسعه را قادر می‌کند تا به تحقیقات، تخصص و فناوری‌های پیشرفته‌ای دسترسی پیدا کنند که ممکن است در داخل کشور نداشته باشند. با قطع یا کاهش این پیوندها، کشورهای در حال توسعه در معرض خطر انزوا از پیشرفت‌های علمی حیاتی قرار می‌گیرند و مانع از توانایی آنها برای مقابله با چالش‌های اجتماعی و تحریک رشد اقتصادی می‌شوند. همکاری‌های بین‌المللی به‌ویژه در زمینه‌هایی که کشورهای در حال توسعه همچنان عقب هستند، فرصت‌های ارزشمندی را برای ظرفیت‌سازی و توسعه مهارت و کارآمدی فراهم می‌کند. پژوهشگران و سازمان‌ها در بدنه دولت‌های در حال توسعه در تعامل با شبکه‌های علمی-پژوهشی جهانی و توسعه ساختاری فعالیت‌های بین‌المللی سازمان ملل متحد مانند یونسکو، می‌توانند نه‌تنها با افزایش توانایی‌های خود با مشکلات پیچیده و رنگارنگ نوین مقابله کنند؛ بلکه به گونه معناداری به پیشرفت دانش ملی در استاندارد جهانی نیز کمک کنند. برهم‌زدن این مشارکت‌ها چشم‌انداز توسعه بلندمدت این کشورها را به خطر می‌اندازد و نابرابری‌های موجود در ظرفیت علمی و نوآوری را تداوم می‌بخشد.

تضعیف تاب‌آوری و آمادگی: در دنیایی که به طور فزاینده‌ای به هم پیوسته است، ایجاد تاب‌آوری در برابر تهدیدها و بحران‌های نوظهور برای امنیت ملی و توسعه پایدار مهم است. همکاری علمی بین‌المللی با تسهیل سامانه‌های هشدار اولیه، به‌اشتراک‌گذاشتن بهترین شیوه‌ها و هماهنگی پاسخ‌ها به چالش‌های جهانی مانند همه‌گیری، بلایای طبیعی و تغییرات آب و هوا، نقش مهمی در تقویت انعطاف‌پذیری ایفا می‌کند. با بهره‌گیری از تخصص و منابع جمعی، کشورها می‌توانند آمادگی خود را افزایش داده و اثرات رویدادهای ویرانگر را کاهش دهند. در این راه برای کشورهای در حال توسعه که اغلب فاقد منابع مالی و توانایی‌های فنی برای مقابله مستقل با تهدیدات پیچیده هستند، همکاری علمی بین‌المللی حتی حیاتی‌تر است. این کشورها با تجمیع منابع و تخصص با همتایان خود در کشورهای توسعه‌یافته، می‌توانند زیرساخت‌های تاب‌آوری خود را تقویت کنند، مکانیسم‌های واکنش به بلایا و مخاطرات را بهبود بخشند و ظرفیت سازگاری را افزایش دهند. محدودکردن روابط علمی بین‌المللی نه‌تنها کشورهای در حال توسعه را از حمایت حیاتی محروم می‌کند؛ بلکه تلاش‌های جهانی برای ساختن آینده‌ای انعطاف‌پذیر و پایدار برای همه را نیز تضعیف می‌کند.

پیامدهای اقتصادی و عقب‌ماندگی‌های توسعه: تصمیم به تعطیلی یا کاهش روابط علمی بین‌المللی می‌تواند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای داشته باشد؛ به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه که به‌شدت به تخصص و سرمایه‌گذاری خارجی وابسته هستند. پروژه‌های تحقیقاتی مشترک و انتقال فناوری موجب نوآوری و رشد اقتصادی می‌شوند و فرصت‌هایی را برای ایجاد شغل، توسعه صنعت و اقتصادهای مبتنی بر دانش ایجاد می‌کنند. با قطع یا هزینه‌برکردن روابط با شرکای بین‌المللی، کشورهای در حال توسعه در خطر ازدست‌دادن دسترسی به منابع مالی، بازارها و منابع حیاتی مورد نیاز برای پیشبرد برنامه‌های توسعه خود هستند. همکاری‌های علمی بین‌المللی اغلب به‌عنوان یک کاتالیزور برای طرح‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی گسترده‌تر؛ مانند پروژه‌های زیربنایی، اصلاحات آموزشی و مداخلات بهداشت عمومی عمل می‌کنند. با قطع این کانال‌های همکاری، کشورهای در حال توسعه ممکن است خود را در صحنه جهانی منزوی کنند و به حاشیه رانده شوند و نابرابری‌های موجود را تشدید کنند و مانع پیشرفت به سوی اهداف توسعه پایدار شوند.

راهبردهای کاهش و سازگاری: برای کاهش اثرات نامطلوب کاهش روابط علمی بین‌المللی، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه، اقدامات پیشگیرانه برای حفظ و تقویت این مشارکت‌ها مورد نیاز است. قبل از هر چیز، دولت‌ها باید ارزش ذاتی همکاری علمی برای توسعه پایدار و تاب‌آوری ملی را بشناسند و سرمایه‌گذاری در تحقیق، آموزش و نوآوری را در اولویت قرار دهند. با ایجاد یک محیط مساعد برای تحقیق و همکاری علمی، کشورها می‌توانند از قدرت دگرگون‌کننده علم برای رسیدگی به مهم‌ترین چالش‌های خود استفاده کنند. افزون بر آن، کشورهای در حال توسعه باید فعالانه در شبکه‌ها و ابتکارات علمی منطقه‌ای و بین‌المللی مشارکت کنند تا از تخصص و منابع جمعی استفاده کنند. با ایجاد ائتلاف‌ها و مشارکت‌های استراتژیک، این کشورها می‌توانند به فرصت‌های مالی دسترسی داشته باشند، بهترین شیوه‌ها را به اشتراک بگذارند و در پروژه‌های تحقیقاتی مشترکی که چالش‌های مشترک را برطرف می‌کنند، همکاری کنند. علاوه‌براین تلاش برای تقویت دیپلماسی علمی و ارتقای همکاری جنوب- جنوب می‌تواند به پرکردن شکاف‌های موجود در ظرفیت علمی و تقویت مسیرهای توسعه فراگیر کمک کند؛ بنابراین تلاش برای غیرسیاسی‌کردن علم و دانش و مصون‌سازی آن از تنش‌های ژئوپلیتیکی برای حفظ یکپارچگی روابط علمی بین‌المللی بسیار ضروری است. ترویج دیپلماسی علمی به‌عنوان ابزاری برای ایجاد پیوندگاه و پل‌ها، تقویت همکاری و رسیدگی به چالش‌های مشترک می‌تواند به فراتررفتن از شکاف‌های سیاسی و ترویج رویکرد فراگیرتر و مشارکتی‌تر برای حل مشکلات جهانی کمک کند. در پایان پر بیراه نیست اگر چنین بپنداریم که در جهانی به‌هم‌پیوسته که با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو است، پیوندهای علمی بین‌المللی برای تقویت و شکوفایی توسعه پایدار و افزایش تاب‌آوری ملی نیازی ناگزیر و ضروری به نظر می‌رسد. برای کشورهای در حال توسعه که در تلاش برای چیرگی بر موانع توسعه و ایجاد انعطاف‌پذیری در برابر تهدیدات نوظهور هستند، هرگونه کج‌فهمی و بدسوادی یا اراده به تعطیلی یا کاهش این روابط یا هزینه‌برکردن روابط برای دانشمندان و اندیشمندان داخلی با ادبیات و واژگان امنیتی و شیوه‌نامه‌های جزیره‌ای، سلیقه‌ای و فراقانونی، پیامدهای ژرفی مانند مهاجرت نخبگان، بی‌تفاوتی و ناامیدی روزافزون جوانان و فرصت‌سوزی جبران‌ناپذیر ملی را در پی خواهد داشت. تردیدی نیست که با شناخت ارزش ذاتی پیوندها و همکاری‌های علمی، سرمایه‌گذاری در پژوهش و نوآوری و ایجاد مشارکت‌های راهبردی منطقه‌ای و جهانی چه در نهادهای دولتی یا فرادولتی، کشورها می‌توانند از قدرت دگرگون‌کننده دانش در برابر چالش‌های جهانی استفاده کنند و راه را برای آینده‌ای پایدارتر، امن‌تر و انعطاف‌پذیرتر برای همگان هموار کنند.

* رئیس کرسی یونسکو در مخاطرات زمین‌شناختی ساحلی
پژوهشکده علوم زمین

یـادداشـت

درباره سنت‌های دانشگاهی

بیژن جهانگیری
استاد دانشگاه تهران

مولانا می‌فرماید: نیکوان رفتند و سنت‌ها بماند. در پایان جنگ جهانی دوم و هم‌زمان با جنبش‌های استقلال‌طلبانه و تغییر جغرافیای خاورمیانه تعدادی کشور جدید در این منطقه ایجاد و متولد شدند. هرچند تاریخ تولد غالب این کشورها نیمه دوم قرن بیستم است؛ اما با استفاده بهینه از ثروت‌های خدادادی و اجرای سیاست‌های مناسب به مراتبِ چشمگیری از پیشرفت دست یافته و به نواختن کوس نودولتی پرداخته‌اند؛ اما تاریخ تولد کشور ما به چند هزار سال پیش برمی‌گردد. کشور ما نوزادی تازه متولدشده نیست. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن فصل مستقل و مبسوطی را به ایران اختصاص داده و به‌درستی می‌نویسد که ایران از پایه‌گذاران متقدم تمدن بوده و ازجمله با تأسیس دانشگاه جندی شاپور به‌عنوان یکی از اولین دانشگاه‌های جهان، نقش مهمی در سیر تمدن و پیشرفت علمی جهان داشته است؛ زهی افتخار. امروزه در حدود پنج هزار دانشگاه معتبر در دنیا وجود دارد. ضابطه‌های اعتبار دانشگاه‌ها هم متعدد هستند و کم‌وبیش شناخته‌شده و مدون. یکی از این ضوابط دارا بودن سنت‌های اصیل دانشگاهی است همراه مراقبت دائمی از آن. سنت‌های دانشگاهی را می‌توان به دو دسته عام و خاص تقسیم کرد. طرفه اینکه هر دو دسته، بسته به دانشگاه و سابقه تاریخی آن و کشور مربوط دارای موارد اشتراک هستند و موارد خاص هر کشور. علامه دهخدا «سنت» را معادل آیین/ رسم/ نماد ذکر فرموده و لغتنامه‌ها آن را معادل لغت انگلیسی (تراديشن) دانسته‌اند. در اهمیت سنت‌ها و حفظ و مراقبت از آن فراوان گفته و نوشته شده است. اعتقاد بر این است که حفظ سنن از عوامل اصلی جلوگیری‌کننده «تهی‌میانی» بوده و باعث خودباوری و داشتن هویت ارزشمند و نیز رشد و تکامل شخصیت در جوانان است. به‌عنوان مثال و به طور سنتی، نام دانشگاه می‌تواند سهم درخورتوجهی در معرفی مثبت شخص در جامعه داشته باشد. می‌گویند ایشان فارغ‌التحصیل دانشگاه صنعتی شریف است! متقابلا، ناباوری به سنت‌ها و انکار و بی‌توجهی به آنها را از علل احساس بی‌هویتی دانسته‌اند و عوارض نامطلوب متعاقب آن.

به دنبال مقدمه فوق مثال‌ها و نمونه‌هایی آورده می‌شود از سنت‌های دانشگاهی در بعضی کشورهای جهان و ایران با تأکید بر حفظ سنن موجود. یکی از سنت‌های مشترک دانشگاه‌ها برگزاری جشن‌های فارغ‌التحصیلی است، به صورت‌های کم‌وبیش یکسان. مثال دیگر جشن‌ها و سنت‌های مراسم شروع سال تحصیلی است. در کشور ما، دانشگاه تهران به‌عنوان دانشگاه مادر شناخته می‌شود. سال‌های طولانی رسم و سنت چنین بود که این مراسم در هفته اول مهرماه و در دانشگاه تهران با حضور بالاترین مقامات عالی‌رتبه کشور و جمعی از استادان و دانشجویان نخبه برگزار می‌شد. هرچند بدون دلیلی واضح بعضی جزئیات این مراسم (به‌عنوان مثال تاریخ و محل اجرا) نادیده گرفته شده؛ ولی خوشبختانه اجرای مراسم مورد توجه است. مثال دیگر سنت انتخاب مقامات ارشد کشور از میان فارغ‌التحصیلان معتبرترین دانشگاه‌هاست. انگلستان تا اکتبر ۲۰۲۲ تعداد ۵۷ نخست‌وزیر داشته که ۳۰ نفر از ایشان فارغ‌التحصیل دانشگاه آکسفورد بوده‌اند. در آمریکا تعداد هشت رئیس‌جمهور درس‌خوانده دانشگاه هاروارد بوده‌اند. امروزه در ایران هم غالب مشاغل رده‌بالای کشور در اختیار فارغ‌التحصیل‌های دانشگاه امام جعفر صادق (ع) است. مثال دیگر سنت پسندیده انتخاب و تقدیم دکترای افتخاری به افراد شاخص جامعه و بعضی اکابر کشورهای دیگر است. کمتر دانشگاه معتبر خارجی را می‌شناسیم که در اجرای مداوم و مکرر این سنت کوتاهی کرده باشد. درواقع دانشگاهی که در ۱۰ یا ۲۰ سال گذشته به هیچ‌کس دکترای افتخاری نداده باشد، انجام قسمتی از وظایف و سنت‌های دانشگاهی را نادیده گرفته است. گفته می‌شود که دانشمندان شهروندانی هستند متعلق به تمام جهان. ایشان فرزندان برجسته زمان خود هستند، فارغ از محل تولد. جزئی از زندگی دانشمندان بازدید و اقامت کوتاه‌مدت یا بلندمدت در دیگر دانشگاه‌ها به‌عنوان استاد مدعو است. پذیرایی شایسته از این بزرگان امری است پسندیده. از سنت‌های دانشگاهی داشتن میهمان‌سراهای استادان مدعو است؛ بناهایی شایسته و فاخر، مزین به تصاویر یادگار بازدید میهمانان عالی‌قدر در گذشته‌های دور و نزدیک. از دیگر سنت‌های پسندیده مشترک بین دانشگاه‌های جهان عنایت خاص افراد متمکن است به این مؤسسات. تقریبا در تمام دانشگاه‌ها افراد متمکن به ساختن خوابگاه و غذاخوری و کتابخانه‌های مجلل اقدام کرده‌اند. نمونه زنده این اقدام در مجموعه خوابگاه‌های دانشگاه تهران در معرض دید عموم قرار دارد.

نکته دیگری که در ساختمان تعدادی از دانشگاه‌های معتبر دیده می‌شود، منزل مسکونی (سازمانی) رئیس دانشگاه است؛ بنایی که معرف اهمیت و اعتبار دانشگاه است. رئیس دانشگاه به‌عنوان سرپرست خانواده، در تالار پذیرایی منزل سازمانی خود به مناسب‌ترین وجه ممکن به میهمانان دانشگاه اعم از بزرگان و اکابر شهر و کشور و میهمانان کشورهای خارجی خوشامد می‌گوید، همراه پذیرایی شایسته؛ سفره‌ای همیشه گشوده.

از بناهای دیگری که به طور سنتی معرف دانشگاه است، کتابخانه مرکزی است. تالار بزرگ این کتابخانه و طبیعتا مخزن آن و تعداد کتاب‌ها و به‌ویژه برگزاری مراسم عام، یکی از بارزترین معرف‌های این مؤسسات است. معروف است که در آمریکا غالب مناظره‌های نهایی انتخابات رئیس‌جمهوری در بزرگ‌ترین تالارهای دانشگاه‌ها برگزار می‌شود.

از دیگر سنت‌های دانشگاهی گردهمایی‌هایی است که به مناسبت‌های خاص برگزار می‌شود، از قبیل مراسم کسب مرتبه استادی یا مراسم جشن‌های بازنشستگی و برگزاری میزگردهایی با اهمیت اجتماعی و مراسم خاص کشوری. مواردی وجود دارد که نشانه تداخل مطلوب سنت است با تشریفات. جوانان قدیمی پایتخت به یاد دارند که در گذشته نه‌چندان دور، اتومبیل رئیس دانشگاه تهران خاص بود با شماره پلاک خاص و راننده برازنده؛ سنتی تأمل‌برانگیز. در ادامه به ذکر چند سنت خاص در بعضی دانشگاه‌های جهان می‌پردازیم. رسم است که دانشجویان در دانشگاه‌های ممالک اسکاندیناوی (مثلا نروژ) استادان را به اسم کوچک خطاب می‌کنند. رسم است که در خاتمه غالب کلاس‌های درس اگر استاد به‌خوبی از عهده تدریس برآمده باشد، دانشجویان با کف‌زدن از مدرس تقدیر می‌کنند.

در آلمان این حرکت مرسوم و حتی پسندیده نیست و به عوض آن دانشجویان با کوبیدن دست و طبل‌زدن روی پیشدستی‌های نیمکت‌های کلاس از استاد تقدیر می‌کنند. در همین کشور و برعکس انگلستان، دانشجویان به‌ندرت با استادان تماس دارند. دانشگاهیان آلمان معتقدند دانشجو باید خودش و به طور مستقل راه و چاه را پیدا کند. به طور سنتی در این کشور امتیازات درخورتوجهی به دانشجویان داده می‌شود. به منظور بهره‌بردن از تعطیلات تابستانی به دانشجویان کارت‌هایی داده می‌شود که با نشان‌دادن آن می‌توانند از تمام خطوط قطارهای مسافرتی به طور رایگان استفاده کنند. پرورش ذهن جست‌وجوگر مستقل، از سنت‌های دانشگاه‌های آلمان است. در این کشور و نیز در ژاپن غیبت در کلاس‌های درس بسیار ناپسند است و از آن ناپسندتر ورود با تأخیر دانشجو به کلاس است، بعد از شروع درس. در ژاپن نوشیدن چای با مراعات دقیق تمام ظرافت‌های آن از سنن درخورتوجه است. همین‌طور است پوشیدن لباس کیمونو در جشن‌ها و فستیوال‌های دانشجویی.

طولانی‌بودن ساعات تدریس و ساعات مطالعه و سخت‌گیری بدون گذشت در امتحانات از دیگر سنن دانشگاهی ژاپن است. در آمریکا، در دانشگاه کرنل، دانشجویان سال اول دانشکده معماری یک اژدهای عظیم می‌سازند و در شروع فصل بهار آن را طی مراسمی دیدنی در دانشگاه می‌گردانند. در کالج کارلتون و رأس ساعت ۱۱ شب روز اول سال تحصیلی در سالن ورزش گرد هم می‌آیند و به مدت طولانی به رقص می‌پردازند. سنت بر این است که این رقص در سکوت کامل و بدون موسیقی اجرا می‌شود.

عده کثیری از دانشگاه‌ها، به طور سنتی، از نشانه‌هایی خاص استفاده می‌کنند از قبیل پیراهن و تی‌شرت و شال‌گردن و کلاه و کراوات و مدال و حتی لیوان آب‌خوری نشان‌دار. تاکنون تی‌شرتی را که روی سینه آن تصویر سردرِ دانشگاه تهران نقش شده و با خط خوش نستعلیق نام دانشگاه تهران نوشته شده باشد، ندیده‌ام.

دراین‌میان سنت‌های وابسته به ورزش هم جایگاه خاص خود را دارند. مسابقه سالانه قایق‌رانی بین دانشجویان دو دانشگاه آکسفورد و کمبریج مثالی از این موارد است؛ اما در ایران هنوز مسابقه سالانه کشتی تیم منتخب دانشگاه‌های پایتخت با تیم منتخب کشتی‌گیران دانشگاه‌های مازندران و گیلان برگزار نشده و به صورت اجرای سنتی هیجان‌انگیز درنیامده است. و همین‌طور است سنت تشکیل گروه‌های رشته‌های دیگر ورزشی و تئاتر و موسیقی و... و ایجاد رقابت بین این گروه‌ها. آخر مگر نه این است که برای ساعات فراغت جوانان دانشجو هم باید تمهیداتی اندیشید، با درایت و سعه صدر. و مگر نه این است که شرح سیاهه سنت‌های دانشگاه صفحاتی است از شناسنامه این مؤسسات؟ وسعت «لغت شمار» این سیاهه ستونی است استوار در پایه‌گذاری هویت دانشجوی جوان و دانشگاه و کشور.